

میدون و سوفیا

جمع بندی هنر مملکت



پوریای عالمی

● سلام سوفیا. بین عشقم، من یک جمع‌بندی کلی در فرهنگ و هنر کشور می‌خواهم بکنم.

ادامدا

■ خواننده‌های اصلی ممنوع هستند، اما هرکی ادای آنها را خوب دریاورد، تلویزیون پخشش می‌کند.

■ بین خواننده‌هایی که ادا درمی‌آورند هرکی بهتر ادای خارجی‌ها را دریاورد، خواننده‌های دیگر ادایش را درمی‌آورند که مجوز بگیرند.

ترانه‌های سفارشی

● ۹۰ درصد خواننده‌ها برای اینکه مجوز بگیرند یا تلویزیون پخششان کند، در دهه ۶۰ درباره مادر و مهر مادری و مرگ مادر، در دهه ۷۰ درباره طبیعت و حیات‌وحش و بهار و خزان، در دهه ۸۰ درباره عشق غیرزمنی با استفاده از کلمات گل و بلبل و نرگس و در دهه ۹۰ درباره عشق زمینی یک‌طرفه بی‌سرانجام که معشوق هم در آخر ترانه ترکان کرده آواز خوانده‌اند.

فیلم‌های سفارشی

■ راه گرفتن مجوز فیلم این‌طوری بوده است: در دهه ۶۰ مبارزه منجر به توبه و بازگشت، در دهه ۷۰ موضوعات زیرپوستی و غم و هجران و آه و سوز و گداز (با بازی بیژن امکاتبان)، در دهه ۸۰ با ته‌مایه عرفانی و رها کن استاد و عشق حاجی‌بازاری و دختر شوخ‌چشم و متنبه‌شدن آقا و بازگشت به خانواده (ترجیبا با بازی شریفی‌نیا یا جهانگیر الماسی)، در دهه ۹۰ با موضوع شوخی با رانت‌خورها و ته‌ریش‌دارها (با بازی جواد هاشمی و مهران مدیری).

خب سوفیا، عشقم، من به این جمع‌بندی رسیدم حالا چی کار کنم؟

خبر خوب

صف چیپ‌ها

● وقتی اخبار رسانه‌های جهان را مرور می‌کنیم، یک خبر توانسته بسیاری را متأثر کند. تیراندازی در مدارس مختلف آمریکا اتفاقی است که هر چند وقت یک‌بار رخ می‌دهد. تمام تظاهرات‌ها، اعتصاب‌ها و تلاش‌های دانش‌آموزان نیز برای محدودکردن حق داشتن اسلحه توانسته کمکی کند تا قانونی در این زمینه تصویب شود. در تیراندازی کلرادو که هفته پیش اتفاق افتاد و حدود ۲۰ دانش‌آموز کشته و زخمی شدند «Kendrick Castillo» نامی متفاوت شد؛ پسری که فقط چند هفته مانده به فارغ‌التحصیلی‌اش، هنگامی‌که تیرانداز می‌خواسته از کنارش عبور و به بچه‌ها شلیک کند، به او پشت پا زده و تیرانداز افتاده است. بقیه بچه‌ها از فرصت استفاده و فرار کرده‌اند، اما تیرانداز بلند شده و پسر را کشته است! یکی از دانش‌آموزان به عنوان شاهد این اتفاق وقتی که داشت برای سی‌ان‌ان جزئیات این تیراندازی را تعریف می‌کرد، فراموش نکرد از او تشکر کند و با لحنی تأثیربرانگیز در انتهای مصاحبه‌اش گفت که می‌خواهم از کاستیلو و یکی دیگر یاد کنم که قهرمان‌های ما بودند و ما آنها را فراموش نمی‌کنیم. کاستیلو را همیشه با لبخندی بر لب در مدرسه می‌دیدم اما فکر



نمی‌کردم زمانی او این کار شگفت را انجام دهد. مجری برنامه از این یادآوری تشکر کرد و پرسید به خانواده کاستیلو می‌خواهی چیزی بگویی؟ و این دانش‌آموز عذرخواهی کرد که در مکانی زندگی می‌کنند که ناگزیر بودند مهم‌ترین چیز زندگی‌شان را از دست بدهند.

در شبکه‌های اجتماعی دوستان و همکلاسی‌ها از کاستیلو بسیار نوشتند و یکی نوشت که او به چیپ علاقه‌مند بود و در حال جمع‌کردن پولش بود تا چیپ بخرد؛ یک چیپ سبز و این‌گونه شد که هنگامی که در کلیسا مراسم سوگواری او برگزار می‌شد، همسایگان و افراد علاقه‌مند به همراه چیپ‌هایشان به بزرگراه کنار کلیسا آمدند و دو صف طولانی تشکیل شد که در چند روز گذشته در شبکه‌های اجتماعی بسیار از آن صحبت می‌شود. پدرش گفته است: اصلا از اینکه او این‌گونه کشته شده است تعجب نکردم. او یک پسر فوق‌العاده بود.



روزنامه شتر

www.sharghdaily.ir

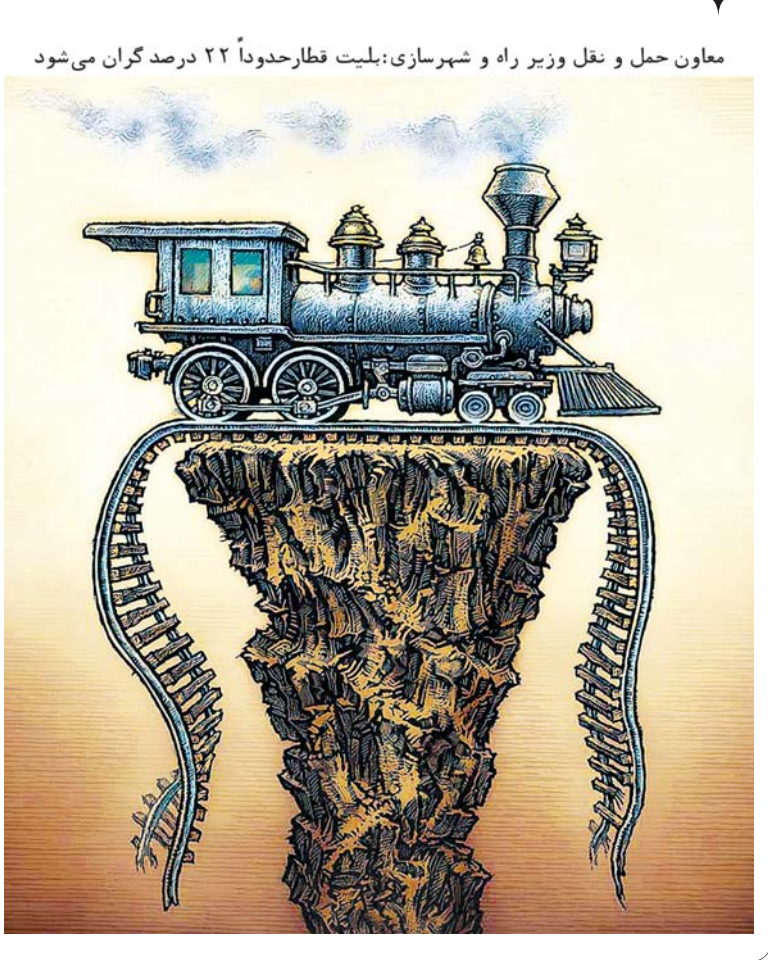
دوشنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۸ • ۱۴ رمضان ۱۴۴۰ • ۲۰ می ۲۰۱۹ • سال شانزدهم • شماره ۳۴۳۲ • ۱۶ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ • اذان مغرب ۲۰:۲۶ • اذان صبح فردا ۴:۱۵ • طلوع آفتاب ۵:۵۵

روزنارخرا

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

فیل فاستر



خبرنگاران

بزرگ‌نمایی جنگ

این روزها ماجرای جنگ رسانه‌ای و روانی در رابطه آمریکا با ایران، یکی از موضوعات گفت‌وگوهاست . این بحث مدت‌هاست که مطرح شده و توجه به حضور ناو هواپیمابر و حضور بمب‌افکن‌های B-52 از مسائلی است که توسط رسانه‌ها پرنگ شده است. همان‌طور که تسنیم گزارش داده است، در یک دهه گذشته همواره ناوهای هواپیمابر آمریکایی در خلیج فارس حضور داشته‌اند و طولانی‌ترین غیبت این ناوها مربوط به سال ۱۳۹۷ است که در آن پس از خروج ناو تودور روزولت در ۲۹ فروردین سال ۹۷ از خلیج فارس، تا دی ماه همان سال هیچ ناو هواپیمابری به خلیج فارس اعزام نشد تا اینکه در اول دی ماه سال ۹۷ ناو هواپیمابر جان سی استینس هم‌زمان با رزمایش نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در خلیج فارس وارد این منطقه شد. این یعنی در ۱۰ سال گذشته طولانی‌ترین عدم حضور ناوهای هواپیمابر آمریکایی در خلیج فارس تنها ۹ ماه بوده است و به‌غیر از آن ناوهای هواپیمابر آمریکایی حضور مستمری در خلیج فارس داشته‌اند. اما رسانه‌های آمریکایی نیز با پیروی از سیاست رسانه‌ای کاخ سفید به بزرگ‌نمایی این اخبار همت کرده‌اند اما اکنون به نظر می‌رسد این طبل جنگ که رسانه‌ها بر آن می‌کوبند، در حال خاموشی است. حتی به گزارش ایستا ترامپ نیز معتقد است: «رسانه‌های جعلی با گزارش‌های گول‌زننده و خیلی نادرست در مورد ایران به کشور ما آسیب می‌زنند، این گزارش‌های بدون منبع خیلی خطرناک هستند. دست‌کم ایران نمی‌داند چه فکری بکند که خوب باشد». در چند روز گذشته ایلان گلدنبرگ، مدیر اندیشکده امنیت نوین آمریکایی، در نیویورک‌تایمز مطلبی نوشت که «خبرنگاران ابزار کوبیدن بر طبل جنگ نشوند!»، اسفندیار خدایی که از استادان دانشگاه تهران است، در کانال تلگرامی‌اش آن را ترجمه کرده است: «انتقال یک سیستم پاتریوت به خاورمیانه ارزش تیتراول‌شدن در آسیا کردیم».

خبرنگاران

کشف قدیمی‌ترین درخت جهان جنگلی با بیش از دو هزار سال قدمت در کارولینای شمالی کشف شده است که می‌توان آن را یکی از قدیمی‌ترین جنگل‌های شناخته‌شده دانست. طبق گزارش نیویزک، محققان یک گروه از درختان سیپرس (نخل مرداب) را در این مکان کشف کرده‌اند که بیش از دو هزار سال سن داشته‌اند و یکی از آنها طبق تحقیق دانشمندان، ۲،۶۲۴ سال سن دارد. بر اساس یک مطالعه منتشرشده در مجله‌ای تحقیقاتی، این گیاهان مرداب قدیمی‌ترین درخت شناخته‌شده در

می‌پرسد: «پس اگر من سالم هستم این لکه‌های درخشان داخل مغز من چه دلیلی دارند؟».

پاسخ به این دست سؤالات، مخصصه دشوار و تکراری‌ای است که هر روز در آن می‌افسم و راه‌حل قطعی ندارد. اما باز هم تلاش می‌کنم: «اینها لکه‌های بی‌اهمیتی در مغز هستند که گاه با بالا رفتن سن دیده می‌شوند و اهمیت خاصی ندارند».

همچنان قانع نشده و خیره به من می‌نگرد؛ به‌زودی و در ادامه، نتیجه اکتشافاتش در گوگل و ویکی‌پدیا را خواهد گفت و به نظر همکاری اشاره خواهد کرد که چند روز پیش گفته بود (با این‌طور برداشت کرده بود) لکه‌ها علامت سکتة هستند!

این بار وقتی همه اینها را گفت جواب نمی‌دهم، ولی می‌پرسم: «محکمه آمده‌اید یا مرکز مشاوره؟ حکمی در مورد بیماری شما بدهم یا مشاوره‌ای بدهم تا خودتان حکم صادر کنید؟».

تصور می‌کنند ناراحت شده‌ام و درصدد عذرخواهی بر می‌آید، حال آنکه من به سادگی سوآلی پرسیده‌ام تا تکلیف خودم را بدانم. راستش را بخواهید مشاوره‌دادن و حکم‌نگردن کار راحت‌تری است تا مسئول بیماربودن و هر چه لازم است از معاینه گرفته تا مطالعه‌کردن و مشورت با دیگران، اما موضوع این یادداشت نه توصیه به پزشکان است و نه توصیه به بیماران برای اجتناب

آکادمی

محکمه یا مرکز مشاوره؟

مردن با واقعیات و احتمالاتی سهمناک در غیاب افق امیدبخش «تقدیر» و ناپالغی فرهنگ جدیدی که بتواند جای آن را در فعالیت اجتماعی و آرمان‌های این‌جهانی بگیرد، همچون چرخ و دنده‌ای است که مکاشفات شکنجه‌آور آذهان بیش از حد عاقل!ا برای یافتن علانم و ریشه‌های بیماری‌ای حتی بدون طی مقدمات ابتدایی این دانش تنها یکی از نمونه‌ها و مصداق‌های این هیولای آهنی -مدرنیتیه- است.

وضعیت جدید علی‌الظاهر می‌تواند وضعیت راحت‌تری برای پزشکان به نظر برسد، وضعیتی که در آن مسئولیتی وجود ندارد و تنها کنار بقیه نظرها، نظری می‌دهید تا مسئول اصلی یعنی (خود بیمار!) تصمیم بگیرد. اما فی‌الواقع این وضعیت جدید هم در نهایت چالشی مضاعف رویاروی طبیبان است؛ نه‌تنها وظایف اجتماعی پزشکان در مواجهه با مسائل فرهنگی تعطیل‌نبرد نیست و متولی اصلی برآمدن اخلاقیات جدید خود آنها هستند، بلکه حالا به جای مواجهه با بیماری‌ای که با اعتماد کامل و برای حکم آمده باید بیماری را علاج کنند که اکنده است از اطلاعات درست و غلط و طبقه‌بندی‌نشده به‌علاوه نوعی بی‌اعتمادی برخوردند که ورای احترامات ظاهری قابل انکار نیست و طبییی را که به آن عادت ندارد، می‌آزارد. در چنین شرایطی طبیب چاره‌ای ندارد جز آنکه به نوعی مرکز مشاوره هم باشد یعنی شیوه درست جست‌وجوکردن و دسترسی به مطالب مفید را به بیمار بیاموزد و تا وقتی که دانش مدرن مسائل پیچیده طب را ساده و روشن نکرده است صبر و حوصله پیشه‌کند و ابهامات را همچون ابهامات بنمایاند و نه با توجیهاات همه‌فهم، اما نادقیق!

تجربه دیگران

سرمایه‌داری نیازمند عوام‌گرایی

برای حفظ سرمایه‌داری رقابتی و جلوگیری از تمایل طبیعی سرمایه به سلطه به دولت‌ها فشار بیآورند. این مردم که غالباً تحت نفوذ نخیکان قرار ندارند، اغلب خواستار رقابت بیشتر و دسترسی آزاد هستند. در ایالات متحده، جنبش‌های پوپولیستی اواخر قرن نوزدهم و جنبش پیشرو در اوایل قرن بیستم، واکنشی به انحصار در صنایع مهم مانند راه‌آهن و بانک‌داری بود. این حرکت‌های مردمی به وضع مقرراتی مانند قانون ضدتراست شرم در ۱۸۹۰، قانون ۱۹۳۳ گلس-استیگال و اقداماتی برای دسترسی بهتر مردم به آموزش، بهداشت، اعتبار و فرصت‌های تجاری منجر شد. این جنبش‌ها با حمایت از رقابت، نه فقط سرمایه‌داری را قوی‌تر کردند، بلکه خطر ابتلا به اقتدارگرایی شرکت‌ها را نیز از بین بردند.

امروزه که بهترین مشاغل در اختیار شرکت‌های فوق‌ستاره است که کارکنان خود را از چند دانشگاه معتبر معدود استخدام می‌کنند و شرکت‌های کوچک و متوسط راه خود برای رشد اقتصادی را از میان موانع ایجادشده از سوی شرکت‌های غالب پیدا می‌کنند و فعالیت اقتصادی از شهرهای کوچک و جوامع تیره و تاریک پیدا شود. اگر ارا دهندگان در روستاهای بی‌امید اقتصادی به سوی شهرهای بزرگ کوچ کرده است، عوام‌گرایی (پوپولیسم) دوباره ظهور می‌کند. سیاست‌مداران تظاهر می‌کنند پاسخ‌گو هستند، اما هیچ تضمینی وجود ندارد که تصمیم‌هایشان ما را در مسیر حرکت درست قرار دهد. دهه ۱۹۳۰ به‌روشنی نشان داد برای وضعیت موجود ممکن است جایگزین‌های بسیار تیره و تاریک پیدا شود. اگر ارا دهندگان در روستاهای در حال تخلیه فرانسه و شهرهای کوچک آمریکا ناامید شوند و امید به اقتصاد بازار را از دست دهند، شاید دچار افسون ملی‌گرایی قومی یا سوسیالیسم تندرو شوند که هر یک از آنها تعادل ظریف بین بازار و دولت را از بین خواهد برد و این به معنی پایان رونق و دموکراسی خواهد بود. واکنش درست به این مسئله انقلاب نیست، بلکه تعادل دوباره است. سرمایه‌داری نیازمند اصلاحات بالا به پایین، مانند قوانین به‌روزشده ضدتراست دارد تا کارآمدی و آزادی ورود به صنایع و جلوگیری از انحصار حفظ شود. اما همچنین نیاز به سیاست‌هایی سراسری هست تا به جوامع دچار فرسودگی اقتصاد برای ایجاد فرصت‌های جدید و حفظ اعتماد اعضایشان با اقتصاد بازار کمک شود. باید به انتقاد پوپولیستی توجه کرد، حتی اگر همه پیشنهادهای رادیکال رهبران پوپولیست پذیرفته نشود. این امر برای حفظ پویایی بازار و دموکراسی ضروری است.

زیر آسمان جهان

پاپ: آزادی مطبوعات و بیان، نشانه سلامت یک کشورند

که دیکتاتورها انجام می‌دهند حذف آزادی بیان است. او در اظهاراتش به هیچ کشوری اشاره نکرد. پاپ فرانسیس ادامه داد: ما به روزنامه‌نگارانی نیاز داریم که در کنار قربانیان و رنج‌کشیدگان باشند. او به پایان صحبت‌های خود از رسانه‌ها خواست که همواره به‌دنبال ترازیدی‌ها در سراسر جهان باشند، نه فقط زمانی‌که برای آنها منفعت داشته باشد. او گفت: اکنون چه کسی درباره مردم روهینگیا و مردم ایزدی صحبت می‌کند؟ آنها فراموش شده‌اند. درحالی‌که آنها درحال‌حاضر در رنج و عذاب به‌سر می‌برند.



از نوعی رفتار یا الزام به رفتار دیگری! موضوع این یادداشت اشاره به واقعیت تغییریافته‌ای است که روز به روز تغییرات بیشتری هم پیدا می‌کند. وسعت اطلاعات و سهولت روزافزون دسترسی به این اطلاعات بی‌تردید نقش و جایگاهی را که پزشکان در ذهن خود به آن عادت کرده‌اند تغییر می‌دهند، اما پزشکان و جوامع پزشکی با این اوضاع جدید و در حال تحول که معلوم نیست ارائه خدمات پزشکی را در آینده به چه شکلی درآورد، کنار نیامده‌اند، فرهنگ متناسب پدید نیامده و حتی درصدد تدوین نوعی اخلاقیات جدید متناسب با این اوضاع جدید هم نیستند. مثلاً اینکه بیمار به‌طور اجتناب‌ناپذیری به پزشکان متعدد مراجعه می‌کند تا پاسخ سؤالاتی را که در ذهن او حل‌نشده باقی مانده‌اند، باید (مراجعاتی که بدون نظام راجع و با تعریف‌های ارزان ابعاد شگفت‌آوری پیدا کرده‌اند) مستلزم وجود نوعی گفت‌وآ و اخلاقیات در میان پزشکان است که با نظرات همکاران دیگر چگونه برخورد کنند. مثلاً وقتی همه چیز به درستی و حتی با فداکاری انجام شده چه بگویند یا وقتی با اختلاف نظر در تشخیص یا احیاناً رفتار سوء پزشکی روبه‌رو می‌شوند، چه کنند؟

بی‌تردید وضعیت جدید یعنی مواجهه رودررو با سیل اطلاعات بی‌رویه و تصفیه‌نشده در مقایسه با وضعیت قدیم یعنی اتکا به یک پزشک، برای بیمار وضعیتی بسیار دشوارتر و اضطراب‌آورتر است، اما نباید از نظر دور داشت که این وضعیت اضطراب‌آور جدید بخشی از هراس و اضطراب دنیای مدرن است و زمینه‌های اجتماعی-فرهنگی عمیقی دارد. دنیای

راگورام راجان، رئیس کل بانک مرکزی هند از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۶، استاد اقتصاد و امور مالی دانشکده تجارت دانشگاه شیکاگو، به‌تازگی یاداشتی را با عنوان «چرا سرمایه‌داری نیازمند پوپولیسم است» در چند رسانه انگلیسی‌زبان منتشر کرده است که بخش‌هایی از آن را می‌خوانیم. تجارت بزرگ در ایالات متحده تحت حملات شدید است. آمازون که با مخالفت‌های مردم محلی در کونترین نیویورک روبه‌رو شد، برنامه احداث دفتر مرکزی جدید خود را لغو کرد. لیندزی گراهام، سناتور جمهوری‌خواه ایالات متحده آمریکا از کارولینای جنوبی، نسبت به موقعیت بدون رقابت فیس‌بوک در بازار ابراز نگرانی کرده است، همکار دموکرات او در مجلس سنا، الیزابت وارن از ماساچوست، خواستار انحلال این شرکت شده است. وارن همچنین درصدد تصویب قوانینی است که ۴۰ درصد از سندی‌های هیئت‌مدیره شرکت را به کارگران واگذار کند. شاید چنین رفتارهایی در سرزمین سرمایه‌داری بازار آزاد عجیب و بی‌ربط به‌نظر برسد، اما مسائلی که این روزها مطرح می‌شود، دقیقاً همان چیزی است که آمریکا به آن نیاز دارد. در طول تاریخ آمریکا این منتقدان سرمایه‌داری بوده‌اند که از طریق مبارزه با تجمع قدرت اقتصادی و نفوذ سیاسی این قدرت، عملکرد مناسب سیستم سیاسی-اقتصادی را تضمین کرده‌اند. چون اگر چند شرکت بر اقتصاد سلطه پیدا کنند، این شرکت‌ها به شکلی اجتناب‌ناپذیر ابزار کنترل دولتی را هم در دست خواهند گرفت و اتحادی نامقدس از نخبگان بخش خصوصی و دولتی تشکیل خواهد شد. این حالتی است که در روسیه اتفاق افتاده است؛ کشوری که فقط نام دموکراتیک و سرمایه‌دای را بر خود دارد. الیکارشی که سرنخ آن به کرملین بند است، با حفظ کنترل کامل بر استخراج مواد خام و بانک‌داری، هرگونه احتمال رقابت اقتصادی و سیاسی معنادار را منتفی می‌کند. درواقع، آنچه در روسیه دیده می‌شود، نقطه اوج مشکلی است که دوبایت آیزنهاور، رئیس‌جمهور اسبق ایالات متحده آمریکا، در سخنرانی سال ۱۹۶۱ درباره‌اش هشدار داد و آمریکایی‌ها را به «مقاومت در برابر نفوذ غیرمجاز تجمع قدرت نظامی-صنعتی» فراخواند و از «احتمال افزایش قدرت نابیجا و فاجعه‌بار» سخن گفت. با درنظرگرفتن اینکه اکنون چندین صنعت در آمریکا تحت سیطره چند شرکت «فوق‌ستاره» قرار گرفته‌اند، باید خوشحال باشیم فعالان «سوسیال‌دموکرات» و معترضان پوپولیست به هشدار آیزنهاور توجه نشان می‌دهند. اما برخلاف روسیه که در آن الیکارشی در دهه ۱۹۹۰ از ثروت خود برای دستیابی به دارایی‌های

ایسنا: پاپ فرانسیس با ادای احترام به خبرنگاران کشته‌شده هنگام انجام وظیفه، اعلام کرد آزادی مطبوعات اصلی‌ترین نشانه سلامتی یک کشور است. پاپ فرانسیس، رهبر مسیحیان کاتولیک جهان، در انجمن مطبوعات خارجی در ایتالیا از خبرنگاران خواست که از انتشار اخبار جعلی اجتناب کرده و صدای مردم باشند؛ مردمی که در رنج به‌سر می‌برند، به‌ویژه مردم روهینگیا و مردم ایزدی. او ادامه داد: من به آمار ارائه‌شده درباره همکاران شما که به‌هنگام کار کشته شده‌اند، گوش کردم. این افراد با شجاعت در بسیاری از کشورها اخبار جنگ و اوضاع